

رساله‌ای در شرح حال جلال‌الدین دوانی

از محمد علی بن محمد نبی دوانی

به تصحیح مظفر بختیار

گروه آموزشی ادبیات فارسی

فرهاد میرزا معتمدالدوله در زمان حکومت خود در فارس از یکی از روستائیان دوان، که به تظلم نزد او آمده بود، در باب احوال جلال‌الدین دوانی پرسشی کرده است و یکی از روحانیان دوان در این مورد پاسخی به شاهزاده والی داده که حاکی از اطلاعات جالبی درباره زندگی دوانی است.

اینک متن این پاسخنامه از یک نسخه خطی متعلق به آقای احمد وهبی - دانشجوی دانشکده ادبیات - پس از تصحیحاتی که

در آن روا داشته‌ایم نقل می‌گردد:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي يعلم السر والخفي والكريم الذي وعد فوفى والحليم الذي توعد فعنى
والصلوة والسلام على محمد وآله ذوى الدرجات العلى.

وبعد - از آنجائی که دعا و ثناى پادشاه اسلام - خلد الله ظلاله على مفارق الأنام - حق سبحانه و تعالى در رقم مبارك شيم خود بعد از اطاعت خود و اطاعت رسول و اولى الامر بر كافه انام واجب و لازم گردانیده، و متابعت ایشان در اعلاى دين محمدى و شريعت احمدى - صلى الله عليه وآله - مفترض و متحتم شمرده؛ پس بر هر طائفه از طوائف لازم است که سلطان زمان و

حکامان بامعدلت قدر تو امان را اطاعت و انقیاد نمایند و در جهر و سر دعا و ثنای او گویند. والحمد لله والمنة که در این ایام سعادت اقتران مملکت ایران بوجود قدوه سلاطین روزگار و صفوه خواقین نامدار - قائده العساكر المنصورة و مقدم الجيوش المظفرة المحبورة؛ حامی ثغور الاسلام عن صدمات اهل الطغیان - السلطان بن السلطان بن السلطان والخواقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر ناصر الدین شاه قاجار - مدظله و ابد ملکه ماطلع نجم و غار - زیب و زینت یافته؛ بخصوص اماکن فارس که از جانب قبله عالم و سرور امم در این ایام سعادت فرجام بوجود حضرت مستطاب سرکار اشرف ارفع امجد والا کعبه آمال و امانی قبله اصحاب فضل و ارباب معانی؛ فرشته خصال دریانوال؛ شمع شبستان دانائی معتمد الدوله شاهزاده اعظم العلیه فرهاد میرزا - حرسه الله تعالی - زینت یافته. بل صار الفارس فی هذه الايام کالحرم الذی من دخله کان آمناً من حوادث الزمان. خلاق در مهده امن و امان می باشند و بدعای ازدیاد عمر و دولت ابد مدت اشتغال دارند. تا در این اوقات سعادت آیات دونفر از رعایای قریه دوان، کربلائی علی و محمد شفیع نام، بواسطه تظلم از حاکم کازرون که ایشان را جرم کرده بود بحضور مهر ظهور مبارکه حضرت والا عرض شدند. و بعد از رسیدگی بعرض و استرداد جرم ایشان از حاکم مذکور، فرمایشی از مرحوم مغفور خلد آشیان ملا جلال الدین محقق دوانی از دونفر رعیت مزبور فرموده بودند که کیفیت احوالات و کمیت مصنفات و تاریخ وفات آن مرحوم از صاحب سواد قریه مزبوره بعرض اقدس برسانند. پس بعد از مراجعت بقریه دوان و اظهار این معنی امثالاً لأمره العالی داعی دوام دولت قاهره اقل الخلیقة بل لا شیء فی الحقیقة محمد علی بن محمد نبی دوانی مبادرت نموده بحضور مهر ظهور حضرت مستطاب اشرف والا عرض نموده که وفات اشرف المحققین و ادق المدققین و اعلم المتکلمین و زیادة العارفین مرحوم ملا جلال الدین یوم الثالث تاسع شهر ربیع الثانی سنه نهصد و هشت هجری در اردوی سلطان ابو الفتح خلیل بایندری [واقع] شده. چون آن موضع قریب بقریه دوان بوده نعش او را در تخت روان گذارده داخل قریه مذکوره نموده اند و در بقعه ای دفن

نموده اند مشهور به بقعه شیخ عالی. و در این بقعه شریفه سه بزرگوار مدفون است: یکی شیخ عالی که صندوق سنگی روی مزار آنست و حوالی و روی آن بخط کوفی مکتوب است: «کل من علیها فان و آیه شهد الله الخ و هذا قبر الشيخ عالی بن الشيخ مظفر الدوانی توفی فی شهر رمضان سنه چهار صد هجری»؛ و یکی دیگر مرحوم مغفور ملا جلال‌الدین، و در لوح روی قبر آن چنین مکتوب است که «هذا قبر الامام الهام والبحر القم مقام کشف قواعد الاسلام حلال معاهد الأحکام العجوبه الدهر و ناموس العصر جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع والاصول ترجمان الحکماء والعارفین لسان العرفاء والمتکلمین الشارح فی معارج المتألهین مولانا ملا جلال‌الدین ابن العالم العامل ملا سعد الدین الدوانی رحمه الله علیه توفی فی يوم الثالث تاسع شهر ربیع الثانی سنة ثمان وتسعمائة من الهجرة المقدسة النبویة». و معبد آن مرحوم در غاری بوده که در طرف قطب شمالی دوان واقع است که مسافت آن - از قریه دوان تا آن کهف - بقدر یک میل می باشد، در کوهی است و قریه دوان در دامنه کوه می باشد. و آنچه بتواتر رسیده است و شهرت دارد آن مرحوم چنداربعین در آن غار مشغول ریاضت بوده است. و بعد از وصول بمقامات عالییه مسافرت می نماید و مدتی در هندوستان بوده است. باز مدتی در یزد توقف می نماید. و مدت حیات آن مرحوم زیاد از هشتاد سال بوده است. و منقول است از میر - غیاث‌الدین تلمیذ او که عمر شریف آن مرحوم زیاد از هشتاد سال بوده است. و تصنیفات آن بزرگوار بسیار است و اغلب آن در دوان بوده است و لکن در سنه غارت کردن ولیمخان در کازرون منسوب شد و بالفعل رساله تهلیلیه و رساله نورالهدایه و قدری از رباعیات در نزد این ذره بمقدار موجود است لا غیر. چون عرقی ازداعی دوام دولت قاهره بآن مرحوم منتهی است، و بعضی از تصنیفات آن مرحوم در خارج بنظر قاصر بسبیل اجمال رسیده است، و تفصیل اسامی مصنفات آن مرحوم که از خارج داعی ثبت نموده ام بعرض اقدس می رسد، و این کراس معروضه بنظر کیمیا اثر ان شاء الله مشرف می شود.

فهرس اسامی مصنفات

مجموعه معانی، خورشید آسمانی، علامه دوانی ملا محمد ابن العالم الفاضل ملا اسعد الصدیق
الدوانی مشهور بملا جلال الدین محقق علیه الرحمة والمغفرة

رساله قدیم، در اثبات واجب تعالی

رساله جدید، ایضاً فی اثبات واجب الوجود

حاشیه قدیم بر شرح جدید تجرید

حاشیه جدید بر همان شرح

حاشیه اجلد، تا مبحث وجود ذهنی رسیده

شرح هیاکل، مسمی بشواکل

حاشیه تهذیب در علم منطق، تا آخر بحث موجهات، مشهور ب: [العجالة]^۱

حاشیه قدیم بر شرح مطالع

حواشی شریفه شریفیه، که قریب بمبحث موضوع رسیده

حاشیه بر اوایل شرح عضدی بر مختصر اصول شیخ عثمان بن حاجب

حاشیه بر اوایل کتاب محاکمات

حاشیه شرح حکمة العین

رساله انموزج العلوم

رساله در تحقیق عدالت

رساله زوراء^۲، یعنی دجله، در نجف اشرف نوشته شده

ایضاً حاشیه زوراء^۲، هم در آن ارض مقدس نوشته شده

۱- اصل: نخود و فولاد جلالیه

۲- اصل: زوری

حاشیهٔ صغیر^۱

رساله در تعریف علم کلام

حاشیه بر اوایل شرح چغمینی قاضی زادهٔ رومی

رسالهٔ خلق اعمال

حاشیه بر اوایل شرح شمسیه

شرح خطبهٔ طوالع

رساله در تفسیر آیهٔ «یا ایها الذین آمنوا خذوا زینتکم عند کل مسجد»

رساله در تفسیر «قل یا ایها الکافرون»

رساله در تفسیر سورهٔ اخلاص

شرح عقاید عضدی

رساله در حل مغلظه مشهور بجزراصم

حاشیهٔ انوار ، فقه شافعی

شرح اربعین حدیث نووی^۲

شرح رسالهٔ نصیریّه ، در تحقیق معنی نفس

رسالهٔ قلمیه

و غیر ذلک من رسائله العربیّة

واما رسائل فارسیّه بسیار است :

از آن جمله کتاب اخلاق جلالیه است [و]

رسالهٔ تهلیلیه ، شرح کلمهٔ طیبهٔ «لا اله الا الله»

رساله در عرض لشکر سلطان خلیل بایندری

۱- رساله‌ی است که در پاسخ ایراد ملاقطب‌الدین سجیوی انصاری بر عبارتی از خطبهٔ کتاب

زوراء نگاشته است (م. ب.)

۲- اصل : نبوی

ایضاً رساله در عدالت

رساله در تحقیق مسألهٔ جبر و اختیار

رساله در خواص حروف

رساله در شرح غزل خواجه حافظ شیرازی^۱

رساله در شرح یک بیت خواجه حافظ^۲

رسالهٔ نورالهدایه

رساله در شرح بیتهایی از ابیات شیخ محمود چبستری*

شرح رباعیات؛ که از اشعار خود آن مرحوم است بنام قیصر روم نوشته

رساله در دیوان مظالم، در لار نوشته

رساله صیحه و صدا^۳ در طب و در حکمت علمیه و عملیه.

و آن مرحوم مذاهب اربعه را درس می‌داده است، و بعد از مجاهده و ریاضت مستبصر می‌شود و رساله نورالهدایه در تحقیق مذهب خود صریح بر تشیع آنست که از تقلید رسته و بتحقیق پیوسته، بادل و براهین قاطعه. و آن مرحوم را خطب انیقه و منشآت رشیده و اشعار بلیغه هست، از آنجمله می‌فرماید:

رو رخت طلب بساقی کوثر کفش علوم انسانی و کثرت می‌وحدت در کفش

لا یظماً اصلاً ابداً شاربها رمزیت از این می‌ارتوانی در کفش

۱- شرح غزل حافظ است به مطلع زیر:

در همه دیرمغان نیست چومن شیدائی

خرقه جائی گرو باده و دفتر جائی (م. ب.)

۲- شرح این بیت است:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد (م. ب.)

۳- اصل صحه‌الصدی

* - در اصل بهمین شکل است.

در ملک حقیقت است آن شاه مدار
دست طالب از دامن آن شاه مدار
اوباب مدینه علوم است در آی
زان در که رسی زود بمسندگه یار
خورشید کمال است نبی ماه ولی
اسلام محمد است و ایمان علی
گر بینی بر این سخن می طایبی
بنگر که زینات اسماست جلی

چه بینات اسم محمد - صلی الله علیه و آله - «ی م ای م ال» عدید اسم اسلام است و بینات
اسم علی - علیه السلام - «ی ن ام ا» عدید اسم ایمان است. لم یسبق بهذا النمط علی قائله احد.
ایضاً له

انسان چه تن، جمله جهان پیرهن است
بل جان جهانست و جهانش بدنست
هر کس سخنی گفت در اسرار وجود
جان سخن اینست و دیگرها سخن است
و لنعم ما قال

دیدم که جهانیان بخوابند همه
من نیز بخواب رفتم از تنهائی
دین حق را مجو علی التقلید
راه حق را مرو علی العمیاء
ایضاً له

بالاتری ای دوانی از حید و قیاس
نشناخت کسی ترا تو خود را بشناس
زین دون صفتان خیال انسان مطلب
کایشان نشناسند اناس از نسناس
وله ایضاً

در خانه و در مدرسه گشتم بسی
در هر دو که انصاف ندیدیم کسی
دیدیم بسی فسانه گوئی چندی
قانع شده از دوست به بانگ جرسی

در مدرسه کردیم بسی گفت و شنود
وز سرّ جهان یکک سر مورخ نمود
هر چند گشودیم بسی مشکلیها
زانجا بجز افسانه ز کاری نگشود

وله ایضاً

اهل حق از جدال میباش بری خواهی که رهی بکوی تحقیق بری
با اهل خدا نشین و با ایشان باش باشد که مگر به بال ایشان پری
واشعار آبدار آن مرحوم بسیار است، جمله آن بنظر قاصر نرسیده است. هذامع قله
بضاعتی و فمداستطاعتی. وللمحقق المذکور - البسه الله حلال النور - بعد منصرفه فی سفر الهند:
مراتب تجربه معلوم شد در آخر حال^۱ که قدر مرد بعلم است و قدر علم بمال
ونسبت آن مرحوم به «صدیقی» چون سلسله آن منتهی می شود بمحمد بن ابی بکر.
ومرقد منور آن مرحوم در بقعه عالیه می باشد بین المحلتین من القرية المزبوره و سمت یسار آن
منار بلندی است قبله آن مسجد جامع است، و در زیر آن برکه ایست. و بالفعل خراب
است و بقعه و مسجد آن بایر است و محتاج بتعمیر است. و آن مرحوم نیش پرتکها و پشهای
داخل محوطه بلد را بسته است اذیت نمی رساند. طلسم است بخلاف خارج بلد که موجود
است و موزیه.

وقریه دوان قطب شمالی کازرون دامنه کوه واقع است بعد آن بقصبه کازرون بقدر
دو فرسخ شرعی است. بلد کم مدخلی است باصطلاح پنجس است. و فاریابی میاه آن ازینابع
است و عذب و لکن کمی باشد بقدر شرب خودشان و دوابشان می باشد در سنه آب افزا لا غیر.
هوای آن معتدل است و قریه مزبوره از اعظم رساتیق بوده و در سنوات قحط و غلا - نستجیر
بالله منها - اغلب و اکثر ایشان مردند و تفرقه شدند که بالفعل بعضی خانهای ایشان غیر مسکون
است. و حال الحمد لله از لطف خداوند و برکت ائمه طاهرین و عدالت اعلی حضرت ظل الله
ناصر الدین شاه غازی - ادام الله ایام سلطنته و شیّد بنیان مملکت - و مرحمت و رعیت پروری

و معدلت گستری حضرت مستطاب ارفع اشرف والا معتمد الدوله - دامت ایامه الغراء - چند سالی است که صورت آبادی بهم زده؛ بلکه همه اطراف فارس بسبب وجود فایض الجود منبع بینش و کیاست و جامع انواع ریاست و سیاست ارفع اشرف حضرت والا یوماً فیوماً ان شاء الله معمور و آبادان می‌شود و میل باآشیانه خود می‌نمایند و همه بدعای از دیاد عمر و دولت ابد مدت اشتغال دارند. بخصوص اهل قریه مزبوره و داعی دوام دولت قاهره و جناب والد منحنی پیرشکسته و سایر معمرین در تحت قبه معطره مرحوم علامه مذکور که بدعا و ثنای حضرت والا مشغول و امید حصول اجابت از درگاه احدیت مأمول انه یسمع و یجیب. و یکی دیگر از مدفونین در همان بقعه منوره که معروض شد مرحوم مغفور خلد آشیان عالم عامل و عارف کامل زین العلماء المحدثین و نخبه العرفاء المتقین ذی الحدس الصائب الحاج ملا عبدالصاحب الدوانی - طاب الله ثراه - که خالوی داعی صمیمی می‌باشد؛ صاحب تصانیف فائمه و تالیف رائقه که بقدر یکصد و پنجاه ساله بل از یدمی باشد. و آن مرحوم صاحب علم و عمل و تقوی و ورع و اخلاق و سایر خصال حمیده بلکه از اهل حال و مستجاب الدعوة [و] و حید عصر خود بوده. و مجاز بود از مشایخ آل عصمور و سایر فقهاء محدثین - متعمم الله بالولدان و الحور - و قریب بیست و چهار سال است که برحمت الهی واصل شده و در همین بقعه شیخ عالی مدفون است و مکرر در شبهای جمعه نور باران شده روی همین بقعه و سایر بقاع و اماکن متبر که و مراقب مطهره که در بلده مزبوره و حوالی آن واقع است؛ مثل بقعه حضرت شاه سلیمان ابن الامام موسی الکاظم علیهما السلام؛ و بقعه حیوة الغیب؛ و قبر مولانا محمد بن داود؛ و قبر شیخ محمد خطیبی مشهور بهفت فرزندان وطنی پیرك که بارها لمعه‌های نور از هر یک از این مواضع رؤیت شده است. و ایضاً بعضی علما و فضیلائی دیگر در بلده مزبوره موجود بوده‌اند بعد از زمان محقق مرحوم؛ که جسارت می‌شدند که احوالات آنها و بطول می‌انجامید. و رجا از درگاه مکارم اخلاق برگزیده خلاق ارفع اشرف حضرت والا چنانست که در وقت شرفیابی این کراسه معروضه بنظر خطاپوش معایب و سوء ادبی که واقع شده است عفو و اغماض از آن بفرمایند. و خداوند شاهد حال و گواه بر صدق این عرض و مقال است

که لیلاً و نهاراً سرآ و چهاراً بدعاى دوام دولت قاهره و امانء دولت بهیةً علیهً عالیةً
 اشتغال داریم، زیرا که بهترین دعاها دعا درحق پادشاه اسلام و امانء دولت جاوید مدت
 مملکت ایران و اصلاح امور ایشان است . چون همت علیه مقصود است بر تجدید سنت محمدیه
 و ملت نبویة - صلی الله علیه و آله - و حفظ و حراست عباد و بلاد، پس خداوند عالم بحق فخر
 بنی آدم این دولت علیه را متصل بظهور موفور السرور قائم آل محمد - عجل الله فرجه و سهل
 مخرجه - فرماید، انه یسمع و یجیب و علی کل شیء عقیقیر، و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.
 کتبه الداعی لدوام الدولة القاهرة المسرف علی نفسه المشرف علی رومه محمد علی بن محمد
 نبی الدوانی، امتثالاً لامر المطاع العالی فی غرة شهر جمادى الأولى سنة السادسة والتسعين و
 المأتین بعد الألف من الهجرة النبویة و الحمد لله اولاً و آخراً.

تمت هذه النسخة من نسخة الأصل فی عشرين شهر ربيع الاول سنة ١٣٠٨

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی